بسم الله الرحمن الرحیم

خبر واحد

بحث انسداد

تنبیهات انسداد

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه دویست و شانزدهم\_17 مرداد 1400

[ادامۀ تبیین کلام شیخ]

استدلال شده بود، برای این­که خبر ضعیف به عمل مشهور جبران می­شود، به این­که در اثر عمل مشهور ظن به صدق خبر پیدا می­کنیم، دو اشکال شد، اشکال اول که توضیح مفصلش گذشت.

کلام در اشکال دوم بود که گفتیم سلمنا که عمل مشهور ظن به صدق خبر بیاورد، ولی در نظر بگیرید که جل علماء هر خبر مظنون الصدوری را حجت نمی­دانند و لذا خبر موثق را اکثرا حجت نمی­دانند، در حالی که قطعا خبر موثق مفید ظن به صدق خبر است.

به این اشکال دوم، اشکالی شد، و آن این که قبول داریم اکثر علماء، خبر موثق را قبول ندارند، و ایمان را در راوی معتبر می­دانند ولی این از باب این نیست که خبر موثق اقتضای اعتبار ندارد، یعنی و لو مفید ظن به صدق هم باشد باز اقتضای اعتبار ندارد، نه چون مفید ظن به صدق است، اقتضای اعتبار دارد، این که فرموده اند حجت نیست و معتبر نیست، به دلیل وجود دلیل خاصی مثل منطوق آیۀ نبأ و مثل «**لا تأخذن معالم دینک من غیر شیعتنا**» هست.

حال مرحوم شیخ می خواهد این اشکال را که به عنوان إن قیل مطرح شده است پاسخ بدهد. می گوید بسیار خوب ما قبول می­کنیم خبر موثق به دلیل آیۀ نبأ و به دلیل «**لا تاخذن معالم دینک من غیر شیعتنا**» حجت نیست، منتها سؤال می­کنیم آیا این آیه و این روایت، هر خبر موثقی را خارج می­کند، تمام اخبار موثقه خارج می­شوند و معتبر نیستند یا خصوص روایاتی که مفید ظن نیست، خارج می­شود؟

اگر می­خواهید بگویید ما خرج بحکم الآیة و الروایة فقط آن مواردی است که مفید ظن نیست، روایت وثقه بالبداهة مفید ظن است، پس این دلیل مخرج شامل خبر موثق نخواهد بود، و این خلاف آن­چیزی که شما ادعا فرمودید، اما اگر می­خواهید بگویید ما خرج، عمومیت دارد، چه ظن به صدور پیدا شود، چه ظن به صدور پیدا نشود و ما خرج بالآیة و الروایة عام است و شامل مظنون الصدور هم می­شود، بله خبر موثق مظنون الصدور است و خارج. اما خبر غیر امامی منجبر به شهرت که الآن مورد بحث ما است آن هم داخل است، آن هم خارج می­شود، یا خبری که ضعیف است، منتهی شاهدی از اولویت و استقراء و سائر امارات ظنیه دارد، آن هم خارج می­شود. اگر این است، مشهور چنین چیزی را نمی­گویند. این ظاهر عبارت شیخ.

اجازه بفرمائید اصل این ان قیل قلنا را با عبارت معنا کنم تا بهتر مقصود شیخ روشن شود:

**فإن قیل**: یعنی شما گفتید جل علماء لا یقولون بحجیة المظنون الصدور مطلقا تا خبر ضعیف منجبر به عمل مشهور حجت شود، برای اینکه تا آخر با مثال ذکر شده توسط شیخ هماهنگ باشد، یک خبر موثقی را در نظر بگیرید که راوی غیر امامی ولی موثق است و یک خبر غیر امامی را در نظر بگیرید که راوی ضعیف هم هست، یک روایت موثقه در نظر بگیرید طبیعتا غیر امامی است ولی موثق است یک روایت ضعیفه در نظر بگیرید که او هم غیرامامی است ولی ثقه هم نیست.

شما می خواهید بگویید عمل مشهور انجبار ضعف سند می­کند، این روایتی که راویش یک سنی غیر موثق است اگر روایتش مورد عمل واقع شد، حجت است؛ چون به وسیلۀ عمل مشهور ظن به صدق خبر پیدا می کنیم.

ما گفتیم اگر خبر غیر امامی ضعیف به وسیلۀ عمل مشهور منجبر بشود و دلیل انجبارش هم ظن به صدق خبر، در اثر انجبار باشد، باید آن خبر دیگر که موثق است و غیر امامی ثقه بیان کرده است، آن هم حجت بشود، چون در آن هم ملاک موجود است، مگر ملاک ظن به صدق خبر نیست، همچنان که ظن به صدق خبر داریم در روایت غیر امامی غیر ثقه اگر عمل اصحاب باشد، ظن به صدق داریم در روایت موثقه. در حال که علماء خبر موثق را حجت نمی دانند.

حال فان قیل به ان اشکال می کند، خبر موثق حجت نیست، نه از این باب که ظن به صدق موثر نیست اقتضاء از این باب است که خبر موثق دلیل خاص بر حجیتش داریم.

**فان قیل ان ذلک** یعنی عدم حجیت خبر موثق با این که افادۀ ظن می کند، **لخروج خبر غیر الامامی بالدلیل الخاص**، می گوید این از این باب است که ما در راوی ایمان را معتبر می دانیم و دلیل خاصی داریم که خبر غیر امامی حجت نیست، **مثل منطوق آیة النباء و مثل قوله علیه السلام لا تاخذن معالم دینک من غیر شیعتنا**.

پس این که از بحث خبر غیر امامی خارج شده است به دلیل است و الا این دلیل نبود، می گفتیم هم خبر غیر امامی غیر ثقه حجت است و هم خبر غیر امامی ثقه چون در هر دو ظن به صدق خبر داریم.

این علی القاعده بود منتهی چه کنیم که روایت داریم، منطوق آیۀ نباء داریم که امامی باید روایتش قبول شود، نه غیر امامی، ولو ظن به صدق خبر هم باشد.

**قلنا: ان کان ما خرج بحکم الآیة و الروایة مختصا بما لا یفید الظن، فلا یشمل الموثق**

دو احتمال سخن شما در فان قیل دارد:

1. بگوییم آنچه به دلیل آیۀ نبأ و روایت «لا تاخذن» خارج شده است، ان خبر غیر مفید ظن است، نه خبر هر فاسقی، نه هر غیر شیعه­ایی، بلکه آن خبری که مفید ظن به صدق خبر نیست، به دلیل آیۀ نبأ، به دلیل «لا تاخذن» خارج شده است و الّا ما یفید الظن، به صدق الخبر حجت است. اگر این است پس خبر موثق باید حجت باشد، در حالی که گفتیم شما در ان قیل خودت گفتید خبر موثق به دلیل آیۀ نبا و روایت خارج می شود اگر آیه و روایت جایی را می گوید که مفید ظن نیست، از آنجایی که موثق مفید ظن است پس شامل موثق نمی شود در حالی که گفتیم اکثر و جل علماء خبر موثق را حجت نمی دانند، پس معلوم می شود مستند برای خروج خبر غیر امامی، آیۀ نبأ نیست، چون احتمال اول در این دو این است که بگوییم ما لا یفید الظن را می­گوید، خب اگر ما لا یفید الظن را می گوید و خبر موثق یفید الظن است، پس این دو خبر موثق را شامل نمی شود پس علماء نباید خبر موثق را لا حجت بدانند در حالی که لا حجت می دانند.
2. **و ان کان عاما لما ظن بصدوره کان خبر غیر الامامی المنجبر بالشهرة و الموثق متساویین فی الدخول تحت الدلیل المخرج، و مثل الموثق خبر الفاسق، المتحرز عن الکذب و الخبر المعتضد بالاولویة و الاستقراء و سائر الامارات الظنیة مع أن المشهور لا یقولون به**

اگر ما خرج بحکم الآیة و الروایة عام باشد، هم غیر مظنون الصدور را بگیرد، هم مظنون الصدور را بگیرد، باید خبر غیر امامی منجبر به شهرت هم به دلیل همین آیه و به همین روایت حجت نباشد، در حالی که مشا می گویید خبر ضعیف از سوی سنی اگر معمول به بود، حجت است، اگر می­گویید آیه هر فاسقی را می­گوید چه ظن به صدور خبرش پیدا شود، چه ظن به صدور خبرش پیدا نشود، باید خبر سنی ضعیف منجبر به شهرت حجت نباشد، در حالی که شما گفتید هر خبر ضعیفی به وسیلۀ عمل مشهور جبران ضعف سند می­شود، شما یا بگویید فقط و فقط خبر امامی ضعیف به وسیلۀ عمل مشهور جبران می­شود که این را نمی­گویید و یا بگویید هر خبر ضعیفی چه از طرف امامی، چه سنی ضعیف اگر مورد عمل بود، معتبر می شود، آن وقت اگر این باشد دیگر نمی توانید بگویید آیه و روایت حتی مظنون الصدور را هم می­گیرد. اگر آیه و روایت مظنون الصدور را بگیرد خبر غیرامامی ضعیف منجبر را نباید حجت کنیم، در حالی که شما حجتش قرار می دهید، شما از یک سو می گویید هر خبر ضعیفی و لو خبر ضعیف از سنی باشد مورد عمل که واقع شد حجت می شود چون ظن به صدق خبر پیدا می کنیم از سویی می گویید این آیه و این روایت هر غیر امامی را می گوید حتی اگر مظنون الصدور باشد.

**ان کان عاما لما ظن بصدوره کان خبر غیر الامامی المنجبر بالشهرة و الموثق متساویین فی الدخول تحت الدلیل المخرج**

شما خواستید به حکم آیه و روایت موثق را منهای عمل اصحاب به آن حجیتش را قبول نکنید، به حکم آیه و روایت خب همان دلیلی که به قول شما آیه و روایت هست، همان طور که موثق خارج می کند، همان طور غیر امامی منجبر به شهرت را هم خارج می کند و غیر حجتش می گرداند پس هر دو داخل دلیل مخرج هستند. دلیل مخرج آیه و روایت بود.

**و مثل الموثق خبر الفاسق، المتحرز عن الکذب**

اگر یک راوی امامی بود، ولی فاسق بود، شارب الخمر بود، اما این امامی شاب الخمر دروغ نمی گفت این هم باز باید به حکم آیه و روایت باید خارج شود؛ چون این هم ملاکا مثل موثق است. شما هم ملاکی که آن موثق را غیر معتبر می­دانید خبر امامی متحرز از کذب را هم باید غیر حجت بدانید.

و نیز مثل موثق است خبری که به وسیلۀ اولویت یا استقراء یا دیگر امارات ظنیه کمک شده باشد یعنی این ها هم به حکم آیه و روایت مثل موثق هستند و حجیت ندارد خبری که با استقراء، با اولویت و دیگر امارات ظنیه مؤید شده است، همۀ این ها باید خارج بشود **مع أن المشهور لا یقولون به**

خلاصه این که یا ضعیف منجبر به شهرت را مثل ضعیف منجبر به غیر شهرت قرار بدهید و یا فارق را بیان کنید، ما فرقی بین خبر ضعیف منجبر به شهرت، با منجبر به غیر شهرت من الامارت نمی بینیم.

هذا و للکلام تتمة ان شاء الله جلسۀ آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین.